

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۶ صفحه

بیکار ۴۱

دوشنبه ۱۵ بهمن ماه ۱۳۵۸ بهای ۱۵ ریال

بیکار را بخوانید و در تکثیر و پخش آن بکوشید

کتابخانه ایرانی
irische Bibliothek in Hannover

- صفحه ۱ جنبش کارگری
- صفحه ۵ حرفهای زحمتکشان از نشریات زحمتکشان
- صفحه ۶ خلق ها و مسئله ملی
- صفحه ۷ جنبش دهقانی
- صفحه ۱۶ حمله به مجاهدین خلق محکوم است

پس از خروج پاسداران:

تظاهرات ۲۰۰ هزار نفری مردم سنندج!



در سایه همبستگی
خلق کرد مبارز
سنندج
در تحصن خود
به پیروزی
رسیدند

صفحه ۶

کارگران بیکار قزوین: کارگر زندانی، دشمن امپریالیسم سرمایه دار مزدور، نوکر امپریالیسم

صفحه ۳

پروفسورهای "مسلمان"
یا نامورین نیپا!
پروفسور "حامد الگار" دوست
آقای یزدی برای چه به ایران می آید؟!

حاکم شرع اصفهان و حکم قرون وسطایی اش!

حاکم شرع اصفهان حکم جدایی یک کارگر را (بدون طلاق) بخاطر عماد ساسی آن کارگر صادر کرد. صفحه ۸

نگاهی به سرمقاله کار شماره ۴۰:

امروز دفاع شرمگینانه، فردا...؟!!

تشدید گرایش رویزیونیستی در سازمان چریکهای فدایی خلق
وکودتای افغانستان

سندت گرایش رویزیونیستی در سازمان چریکهای فدایی خلق، ادامه
مندی و سادگیهای غیرولفری گذشته، اس سازمان بوده و امروز تکامل
این گرایش انحطاطی به طرفداری و حمایت آشکار از سوسال امپریالیسم
گسسته شده است، زیرا اس سازمان به مانند کودتای امپریالیستی سوروی
در افغانستان برداشته است. سرمقاله: "کار" شماره ۴۰ درباره: روسداد
های احزاب انسانسان سائگر حشر امری میباشد. ضمیمه صفحه ۱۰

زنگهای خطر برای چه کسانی بصد ادرمی آید؟

نگاهی به نتایج انتخابات ریاست جمهوری

انتخابات ریاست جمهوری، با پیروزی بنی صدر در حالیکه سنی از
آراء ریخته شده در صندوقها را بحدود اختصاص داده است، بیایان رسید.
نتایج آراء انتخابات شکستی بسیاری در میان مردم و تمام نیروهای
سوسی بوجود آورد. این نتایج بطور روشنی واقعبین ساسی موجود در
ایران را از پس هیاهو و جار و جنجالهای تبلیغاتی دستجات حاکم، در خلوی
دیدگان مردم آشکار کرد و آنها را نسبت به آنچه که در جامعه جریان دارد،
ناحدودی واقف ساخت. بقیه در صفحه ۲

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۳ حزب توده ...

نکرده اند. سهمین دلیل وقتی که نماینده ایمن کانون قلابی قصد داشت برای متخصصین سخنرانی کند با فربا در اعتراض آنها روبرو شد. آنها با شعار مرگ سر حزب توده جواب دندان شکنی به آقای نماسنده دادند.

اعتصاب کارگران کارخانه قرقره زیبا

روز چهارشنبه ۲۵ دیماه کارگران کارخانه فرمورس واقع در خاده کرج بمنظور رسیدن خواسته های صعی خود دست از کار کشیدند. این اعتصاب بعداً داخلت کمته و سرپرستها و مدیر کارخانه به درگیری انجامید. طبق اخبار واقع در درگیری روز سه شنبه ۲۷ دیماه دونفر از نمایندگان زن و دونفر از نمایندگان مرد، دستگیر میشوند که از سروسب آنها اطلاعی در دست نیست. شورای کارخانه که به جوحه یک شورای کارگری نیست همواره بر علیه کارگران توطئه چیده و معترضین را اخراج و بیسایه پدید میآورد.

کارگران کارخانه ضمن اظهار نفرت از شورای قلابی خود از آزادی نمایندگان خود شده اند.

همبستگی و اتحاد کارگران ضامن پیروزی است

روز ۲۷/۱۰/۵۸ بدنبال اخراج ۵ نفر از کارگران کارخانه بارش افغان به بهانه چند دقیقه دیر آمدن، کلبه کارگران کارخانه در اعتراض به این اقدام صدکارگری مدرک کارخانه دست از کار کشیدند. سهدسدهای عوامل کارفرما و توطئه های تفرقه افکنانه اش نتوانست در اسحا و دیکپا رچی کارگران ظلی اسحا دکنند. کارگران بکمدادها با زکنت به کار همکاران خود شدند.

سراجم کارفرما نتوانست در مقابل فشار کارگران مقاومت نماید و نتوانست در شکست کارگران اجراحی را محدوداً سرسراکما رد.

بقیه از صفحه ۳ کارگرمی رزم ...

دیناری از حق ما کسر شود. سرحما بدار رعبانی میشود و بلند شده به همراه سایرین از اتاق بیرون می آید و در خالی که بنظر او تو میبلیش می رود میگوید: همیسن است که گفتم. سپس سوار ماشین میشود و بنظر طرف در خروجی حرکت میکنند. چند نفر از کارگران فوراً در خروجی را با تیر آهن و تخته می بندند. نمایندگان و سایر کارگران بنظر اتومبیل حامل سرحما بدار هجوم میبرند و برزنت قسمت عقب جیب را می کنند و سر حسابدار را از توی اتومبیل بیرون میکشند و در حالی که بیشتر کارگران خشمگین و میله آهنی در دست راه خروجی را سد و می کنند. دیگر کارگران با میله آهنی و جوب سوسی سرحما بدار و کار فرما حمله می برند. نمایندگان کارگران مانع از درگیری میشوند و آنها را ساکت می کنند. یکی از نمایندگان رویه سرحما بدار میگوید: من به نما اینند. گی کلیه کارگران این کارگاه در حضور همه اعلام میکنم که کارگاه به هیچ عنوان حق تعطیل کردن را ندارد. اگر کارگاه تعطیل شود تمام ماشین آلات کارگاه و مصالح ساختمانی موجود به نفع کارگران مبادره و فروخته خواهد شد. اگر مسئولین کارگاه این امر را جادی تلقی نکنند، می توانند عکس العمل ما را آزمایش کنند. کارگران با مشت های گره کرده و با گفتن صحیح است، سخنان نماینده خود را تصدیق میکنند. کارفرما و سرحما بدار که وحشت سرا پا بشان را گرفته بود میگویند: فعلا بر سر کار خود بر گردید و آرامش خود را حفظ کنید، ما فردا برای مذاکره به اینجا خواهیم آمد. روز دوشنبه ۲۸/۱۰/۵۸ مسئولین کارگاه قبول میکنند که کارگاه تعطیل نشود و کلیه حقوق کارگران و کارمندان و با ضافه حقوق عقب افتاده و مقداری از فوق العاده شغل آنها پرداخت میشود و توافق میشود که نصف روز کار کنند و نصف حقوق دریافت دارند. کارگران فعلا مشغول تشکیل شورا هستند تا اداره کارگاه را بعهده گیرند.

بقیه از صفحه ۷ اتحادیه دهقانی ...

مخالفت میکردند و می گفتند کارگما ما جراحی جوشی و "جبهه گیری مستقیم در مقابل دولت" است. که ممکن است این جنبش نوپا را بکلی متلاشی کند. جلسه ای با شرکت نمایندگان ۶۲ ده تشکیل میشود. جلسه تصمیم به تقویت پیشتر که گما میگیرد.

رفیق در مورد مخالفت اقلیتی از روشنفکران میگوید: "البته از روز اول که این مخالفتها شروع شد ما این دو نظریه را بین مردم مطرح کردیم. نظریه ما وقتی بصورت عمل و اجرا درآمد، روز بروز طرفدارانها بیشتر پیدا میگردید و مردم هم که این نظریه ها پیشا و مطرح شده بود پس از مشورتها ی بسادی بین روشنفکران اختلاف عقیده وجود دارد و اونام یکبار چه نیستن و با بد نظرات مختلفشون توافق کردند و در نهایت هم این رای مردم بود که مسئله رو حل کرد. چون ما در جناح روشنفکری قادر به حل مسئله نبودیم، پس از مدتی جناح مخالف به اشتباه خود اذعان میکنند ولی رفقا از اشتباهات نیز برای پرورش شده ها استفاده میکنند نه اینکه اختلافات را ماستمالی کنند. آنها ملزم میشوند همراهِ دیگر رفقا به روستا رفته و در حضور توده ها به اشتباه خود اعتراف کنند. بدو علت: "یکی اینکه این روش بیشتر پیشرفت حتی ذهنی هم داشته باشه و همینکه دهقانیها که از این دودستی خیلی ناراحت بودن و مرتسب هم ما رو قسم میدادن که بخاطر خدا و پیمانم برهیم بیرون و بدو این شکاف رو از زمین ببرید" در ضمن این جریان گفتگوهای جالبی پیش می آید:

"چند نفر دهقان خطاب به روشنفکرها مطرح کردن که به ما خیانت نکنید" یکی از دهقانان بسسه رفیق فواد میگوید: "اگر قرض دولت مستقر شود شغل تون و آبادی رو خوبی به تودا... ما رویه مون خدا اول نکنی" و یکی از روشنفکران جواب میدهد: "اگر فردا دولت "جاش" استخدام کرد، تو هم با ما می دوسه هزار تومن دنبال سرما نگریدی" و "قرار بر این شد که هر طرف خطا کرد مجازاتش مرگ باشه". رفیق فواد مطرح میکنند که "این خیلی مهمه که در آینه سده ادهای به جریاها خیانت نکنن ولی ما با بد جریان - روظوری پیش ببریم که خیانت یک یا چند نفر نتونه اون رادرم بشکنه... باید شعور سیاسی رو بسالایر...

در مریوان در سایه مبارزه و مقاومت کم کم "اتحادیه دهقانی" قدرت و استحکام می یابد و ستیاد آن بصورت یک کارگما اجرائی "توده ای در میآید. ولی مالکان از توطئه دست نمی کشند و دولت نیز بیه آنها یاری میرساند. بسله... مالکان تمام این آشوبها رو بخاطر این بوجود میارن که روابط ظالمانه - شون حفظ بشه تا بهتر زندگی بکنن " در آخر رفیق فواد می گوید:

" دولت هر روز در گوشه ای از کردستان ایمن برنا سده های توطئه شو پیدا می کند ولی تکرار این توطئه ها با لایحه بجائی منجر میشه. همینظوری که نسیمونه " دیدیم که به جنبش توفنده، پرشکوه و بیروزمند خلق کرد انجامید.

بقیه از صفحه ۱۱ امروز دفاع ...

سازمان ما تا ساندنا نهار رسیده که کودتای امیربالیستی را "حماست" می نامند. مزدوران رویزیونیست را "ترمی خوا موجب" قلنداد می کنند و جبهه انقلاب و خلق، افعال را دست فراموشی می سپارید و در پی آتند با درما رزه علیه امیربالسم آمریکا بر سوسال امیربالسم شوروی تکیه زنید. روشن است که این ارزیابی ها جدا از سدها شما نسبت به مسائل انقلاب و صد انقلاب در ایران نمی باشد. رفقا! چگونه میشود که بین ارزیابی شما از واقع افغانستان و ارزیابی حزب توده مزدور و خیانتکار روظوری تجاویز کا ربطور کیفی تفاوتی وجود ندارد؟ اگر شما خود را مارکسیست - لنینیست می دانید چگونه تحلیل ما را - کسبستی شما با تحلیل رویزیونیستی در تضاد قرار می گیرد؟ از دو حال خارج نیست یا تحلیل رویزیونیستها مارکسیستی می باشد و اینا بر این آدان به نقطه نظر شما رسیده اند و یا تحلیل شما رویزیونیستی می باشد و اینا تحلیل آنان منطبق گردیده است. بنظر ما رویزیونیستها ما هیت عوض نکرده اند و آنچه واقعیت دارد حالت دوم می باشد.



حق "بیمه بیکاری" هم حق کارگران بیکار است، هم کارگران شاغل

زحمتهای از ثریات زحمتهای



وزارت کار و شورای جنرال موتورز ابزار سرکوب سرمایه داران

موضع کارگران در برابر انتخابات ریاست جمهوری

در شماره اول پیک کارگران بیکارکرج و حومه کدرنیمه اول دیماه منتشر شده است، مطالب زیر به چشم میخورد: ۱- از مبارزات کارگران بیکارکرج می آموزم ۲- چرا کارگران را بیمه درمانی نمی کنند؟ ۳- گزارشی از تحصن کارگران سیکا رزویین ۴- گزارشی از تحصن کارگران کارخانه فان شهردر فرمانداری کرج... و موضع کارگران در برابر انتخابات ریاست جمهوری که ما از این مطلب آخری قسمتهای را در زیر می آوریم.

"باردیگری و وگرنای رژیم با مصالح طرفدار زحمتکشان بعد از آمده تا انتخابات ریاست جمهوری را برپا کند. این انتخابات هم مثل فرماندم جمهوری اسلامی - فرماندم مجلس خفتگان - فرماندم قانون اساسی برگزارخواهد شدی آنکه دردی از میلیونها درد طبعه کارگر علاج شود.

راستی چرا؟ برای روشن شدن موضوع یک مثال میزنیم. فرض کنیم ما یک خانه کلنگی داریم و میخواهیم در آن زندگی کنیم. ما دو کارمندانیم انجام دهیم، با خانه را سالک خراب کنیم و از نو خانه محکم بسازیم و یا همان خانه کهنه را و طبعه و بینه کنیم. این مثال در مورد جامعه ما هم درست است. بعد از فیا م بهمن ما دو کارمندانستیم انجام دهیم، یکی همین کاریست که شورای فعلی انقلاب انجام داد یعنی نظام سرمایه داری وابسته را با زساری نمود. ارتش ضد خلقی شاه را که از هم با شیده بود، دومرتبه آن را با زساری کرد و نام آنرا از شاهنشاهی به اسلامی تبدیل کرد. ادارات و موسسات دولتی با همان روی قبلی برپا انداخته، از سرمایه داران براری امثال خیامی ها، سنا تورفا شیا و... دعوت میکرد که به ایران

بیا بیاید و با هم مثل گذشته کارگران و زحمتکشان را غارت کنند، مثل رژیم شاه اعتبار و تحسین کارگران را ممنوع کرده و بجای با سخ به کارگران بیکار رگلوله تحویل آنها داد.

دوستان کارگر، کارشورای... غیر منتظره نیست و نبوده است برای اینکه کسانی ما مندر مستحاسبی، سبستی، بازگان و... در شورای انقلاب بوده و هستند که خودشان سرمایه دار هستند. یعنی به نفع آقای بازگان نیست که سرمایه داران مسازره کنند... و اما کار دوم...

ارتش ضد خلقی شاه را که ما ناسود میگردیم و ارتش خلقی از نیروهای انقلابی و خلقی تشکیل میدادیم، سرمایه داری بزرگ را از بین میبردیم و مقدمه جامعه بی طبقه را فراهم میساختیم. قدرت را از طریق شورا های کارگری دهقانی بسط می گرفتیم. اما چه کسی میتواند این کارها را انجام دهد؟ طبقه کارگری با تشکیلات واقعی خود؟ با طبقه سرمایه داری دولت سرمایه داری؟

معلوم است تنها کارگران و زحمتکشان میتوانند جامعه بدون ظلم و استعمار را برقرار سازند. خوب ما میبرسیم فرماندم جمهوری اسلامی، مجلس خبرگان، قانون اساسی و انتخابات ریاست جمهوری کتونی برای سازای نظام سرمایه داری ضرورت میگردید برای نابودی نظام سرمایه داری که دشمن ما زحمتکشان است؟ از آنجا که انتخاب ریاست جمهوری کتونی (با کاندیداهای امثال مدنی و...) توسط هیئت حاکمه ضد خلقی بسرای سازای سرمایه داری وابسته صورت میگیرد. ما انتخابات ریاست جمهوری را تحریم میکنیم یعنی در آن شرکت نمی کنیم.

"هواپیمائی ملی ایران" و "شورای انقلاب اسلامی" آن

نخستین شماره همای مبارز نشریه عده ای از کارگران هواپیمائی ملی ایران، اخیراً منتشر شده است. در این شماره مطالبی پیرامون: "هواپیمائی ملی ایران و شورای انقلاب اسلامی آن"، بخشنامه مدیرعامل جدید در رابطه با "کم کاری و شوراها"، فضای رویزونیستها و همچنین اخبار کارگری و لیست سجدای از عنا صروا بسته به رژیم سابق که هنوز در هواپیمائی ملی مشغول بکارند، آمده است. آنچه در زیر ملاحظه می کنید، قسمت هایی از مقاله ای است تحت عنوان فوق:

سیستم پیچیده، اداری و بوروکراتیک هواپیمائی ملی ایران به تدریجی سازمان داده شده است که در

بخشهای مختلف آن مهره های گنجانده شده اند که نهادها و حرکات انقلابی را تحت کنترل و نظارت شدید خود درمی آورند. این مهره ها سوسه خودسکه بهم پیوسته و پیچیده ای را در درون اس شرکت تشکیل می دهند که شاخه های بسیار زیاد با شاخه های در هر سطحی ریشه دوانیده است.

... اهرمهای جون "کمیته" مستقر در فرودگاه "و" انجمن اسلامی ها "و" شورای انقلاب اسلامی هواپیمائی ملی ایران "ما سوا" سعاده از احساسات مذهبی یعنی از کارگران و کارمندان این شرکت، سدا هر حرکت انقلابی شده و آنرا بحدت سرکوب می کنند. عنوان مثال شورای انقلابی هواپیمائی

"اتومبیل ساز" نشریه عده ای از کارگران جنرال موتورز در تاریخ سی دیماه منتشر شده است که در آن مطالبی در باره ضرورت انتشار نشریه، جنبش خلق کرد، نمونه های از اعمال ضد کارگری کارفرما و "شورای" کارخانه و... درج شده است. در زیر مطلبی را از این نشریه می آوریم:

یکی از دوستان کارگران بنام سید تقی حسینی که چند ماه پیش با شغل آهنگر در حدیک استخدام شده اخیراً معاون رئیس تعمیرگاه (بزدائی ضد کارگر) سزوروا هیچگونه دلیل قانع کننده ای اورا وادار کرده که علاوه بر کار خودش در قسمت تعمیرحلو ببندی نیز کار کند! اسنکه دلایل سید تقی بنظر کارگران قسمت، مانع کننده بودولی شورای ضد کارگری بدون توجه به دلایل او از زورگوشی بزدائی حماست میکندومی - گوید اگر از دستور سرپرست قسمت، سرپیچی کنسی (یعنی حرف زور بدون دلیل را قبول نکنی) باید اخراج شوی.

دوست کارگر ما بحیال اینکه در "جمهوری اسلامی" وزارت کار دیگر طبعی نیست برای اسحال سدر حق خود سه وزارت کار رنگاست می کند ولی ورا بر کار جواب میدهد و هر کاری برایت گم شده کوشی و الا حق داره اخراجت کنند. و شورای کارخانه سمرمانه از سید تقی می خواهد که سنا بار س سعید بدهد و سه سرکار بر کرده.

حال دوستان کارگر ما صما و بکنند. سورا و وزارت کار در خدمت کیست؟ و چگونه در مقابل کارگری که از حق مسلمش دفاع میکند طرف نزدایی صا عوامل سرمایه داران را می گیرد. اما اساس حال میشود گفت که شورای ما و وزارت کار طرفدار کارگران است؟

ملی ایران را که چگونه مبارزات کارگران اسس شرکت بود از عنا صر آگاه و هم بار رتصمه کرده و مردوران خود را در آن گنجانده و هم اکثون این "شورای انقلاب اسلامی" (سراسر کئی دونفر) سرکسی است از سر جمع - سربس کارکنان شرکت که بعضی ارا عصای آن بنا ۲۲ هزار تومان در ماه حقوق میگردند. واضح است شخصی با ۲۲ هزار تومان حقوق در ماه نمی تواند درد مس ونوی کارگر را لمس یا حتی درک کند.

شورائی که بشهادت نامه، اغعای آن به "شورای انقلاب اسلامی ایران" جنبش ما را زد کتو جسران، این حلال قدسی خلق فلسطس در "تل رعسر" و حلال حدس خلق فیرمان کرد و وزیر دفاع ضد ملی کتوسی و آنچه شناخته شده، سبریا لیسیم آمریکا، در باره امور هواپیمائی ملی ایران نظر خواهی!! کند. بیروشی سلو ما است که نه طرفدار حقوق مسلم ما کارگران بلکه طرفدار سرمایه دارها و منافع دولت آنهاست. این شورا فقط کارش نظارت بر بهره کشی و استعمار هر چه سشتر ما کارگران است و لا غیر.....

قانون اساسی "خبرگان" زنجیر است به پای زحمتکشان

خلق ها و مسئله ملی



پس از خروج پاسداران :

نظارات ۲۰۰ هزار نفری مردم سندهج!

مردم ارض رودخلو اسناداری جمع شده بودند تا سروری خود را که در اسنادا دو همسگی وسیار ۲۹ رورخص سد آورده بود مدتی نظارات علمی به تمام حلقهای ایران و جهان اعلام دارند .

روحه مردم سنا ر خوب بود ، آنها در عمل معذب همسگی و سکا ر جکی بی سرده بودند ، آنها همسده سود که در برابر سدهای محدود حلقها هیچ سرروئی را با رای مقاومت سست و با اسما ن به ای سرروئی را لاسال آمده بودند با رادگر توسط یک راهیما شای کوه همسگی را سما بی سکا رند .

سنا سرورع راهیما شای حدس بنام و سرود خوانده دوصن جد سحرانی کونا در اراج به ما هیب رزم وسی مدر و طابف مردم برای حفظ دستا ورد های ماساره وسوسه آن نوصح داده شد .

ساعت ۱۱/۵ با راکش سنا سندگان متحصنین که برای اطلسان ارخروج پاسداران سمرکز سپاه ربه بودند ، سزوع راهیما شای از سلندگوی اسنادا ری اعلام سد ، درای خلق ، مواج و پیر حروش ، سربلند و پیرسوان با شعارهای انقلابی سراه افناد ، نظا هر کنندگان سکیا ر حشور و سون سوند و معوف آنها سا بسوسن مردم هر لحظه سمرده تر میشد .

وقتی جمعیت مقابل مرکز سا هیا سداران رسد ، با صدایی سنا تر که سانی از کینه و نفرتشان سنا سن چما س سرگوب رژیم سوشا ر دادند ، بیش از ۲۰۰ هزار نفر از اهالی سندهج و حومه

در اسن راهیما شای سرکت کرده بودند ، بی شک سندهج تا کنون چنین نظارات عظیم و منظمی را سخود ندیده بود .

راهیما سنا ن پس از گذشتن از چند سنا ن با طرف میدان آزادی حرکت کردند ، آنها در ای مسیر در حالیکه سروده ای رقیب را سخوا ندند ، محکم سزمین پای می گویدند .

بعضی اشعارهای که در طول راهیما شای داده میشد سنا رتنداز :

- ۱ - تحمن توده ها سنا ن وحدت ما - اخراج پاسدار - ان بیانگر عزم ما .
- ۲ - امیرا لیسیم آمریکا ، دشمن خلقهای ایران .
- ۳ - حزب توده فریکار! - ای خاشن سازشکار - ننگ به نیرنگ تو .
- ۴ - اتحاد ، مبارزه ، پیروزی .

حدود ساعت ۱ بعد از ظهر جمعیت بمیدان آزادی رسد و دورتا دور میدان و خیابانهای اطراف آن سنا ر بر کرد ، سنا س ما بیما می از ما سوستا شیخ عزالدین حسینی شروع سدوسین بیما میای سازمان جریکهای فدائی خلق ، حزب دمکرات کردستان و کومه فرا کت شد ، آنکا سعلت نا سنا عد بودن هوا بیما میای سازمان پیکار ، تشکیلات زحمتکشان ، شورای دانش آسوزان ، سنا د شورای هما هنگی ، راه کار گرو ... خواهانده نشد و جمعیت با شنیدن قطعنا مه متحصنین متفرق گردید .

خبر ویژه

عاملان امپریالیسم آمریکا و بعثی های فاشیست عراق در کردستان خلع سلاح و دستگیر شدند

هم میهتان مبارزا!

سپاه سرگاری (سپاه زرگاری) از چند ماه قبیل در کردستان بسوسله مادج نقشبندی پسر شیخ عثمان نقشبندی که یکی از فعالین سیا واک در منطقه کردستان بود در دست سدوسوسله بعثی ها از نظا سر تجهیزات نظامی تقویت و مستقیماً از اردشیرزاهدی ویا لیزیان و جاسوسان سیا بسوسله عراق بول می - گرفتند و این مزدوران برای سزکوب نیروهای - انقلابی ولطه زدن به جنبش مقاومت خلق کرد در کردستان درست شده سودما سازمان انقلابی زحمت - کشان کردستان ایران (کومه له) بنا به وظف سده انقلابی خود نتوانستیم در مقابل این جریان ضد خلقی سی تفاوت با سیم ، تصمیم گرفتیم که آنها را خلع سلاح ورهبران آنها را دستگیر سنا شیم . در روز ۵۸/۱۱/۹ در مدت ۲۴ ساعت تمام پایگا هها یشان را خلع سلاح و سنا م رهبران شان را دستگیر کردیم .

ما معتقدیم که امپریالیسم آمریکا و عوامل دا خلیش با پیدا زانیران ربه کن شونده و برای مبارزه با امپریالیسم با پیدا ول عوامل دا خلیش را نابود کرد ، و بنا به همین اعتقاد با هر حرکت ضد خلقی هر چند ضعیف با سنا م سبر و مبارزه خواهیم کزد .

حال از رهبران خاشن حزب توده میسرم عامل امپریالیسم کیست ؟

در این مدت سبر خورد حسابگران هیشا خاکمه با سپاه سرگاری ، و جنگ تحمیلی که بعد از خلع سلاح این مزدوران امپریالیسم آمریکا ، بسوسله جاشهای مفتی زاده خاشن وسیا هیا سداران تجا وزگرو ، سسر مردم مبارزگان مباران وارد شده ، سی مناسبت نیست!

" مرگ بر امپریالیسم آمریکا و عوامل دا خلیش " " پیروز با دمبارزه ضد امپریالیستی خلقهای سراسر ایران " " خلق کرد پیروز است " " ارتجاع نا سود است "

" سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران - کومه له " ۵۸/۱۱/۱۱

"سپاه زرگاری" ، توسط "کومه له" قلع و قمع شد

● دارودسته زرگاری ، عامل امپریالیسم ، سرسپرده رژیم شاه و مزدور بعثی های فاشیست عراق در کردستان هستند .

● حال از رویزیونیستهای خاشن توده و جنگ افروزان حزب جمهوری اسلامی باید پرسید " ضد انقلاب " و عامل امپریالیسم کیست !؟

سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان (کومه له) ضمن انتشار اعلامیه ای سنا ر س ۵۸/۱۱/۹ مزدوران بعث عراق و کما سنا ن نا هه راری را که خیراً تحت عنوان "سپاه زرگاری" (یعنی سرگاری!) در جنبش نا دلانه خلق کرده اخلال می کیند ، افا سنا نموده است هما نظور که میدا نسیم پیشمرگان کومه له سدون حتی شلیک یک تیر کردا سنا گان ورهبران مزدور "سپاه زرگاری" را خلع سلاح و با زدا سنا کردند . آکا سی از

ما هیبت و عمل کرد این سپاه که توسط رژیم فاشیستی بعث عراق تا دندا ن ملح شده بودند ، بسوسله از آنجا اهمیت دا رده که چندی است حزب جنگ افروز جمهوری اسلامی و همپا لکی اش حزب توده ، سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان را ز سرحملات تبلیغاتی نا جوا نمرده نه و عوا مفریبا نه خود گرفته وسی در منفر دگردن و سزکوب کومه له را دا رند و قیحا نه این سازمان انقلابی را به مزدوران بعثی و رژیم

فا شیست عراق ارتباط میدهند . در زیر قسمتی از اعلامیه کومه له را میخوانید

دارودسته رهبران سپاه زرگاری عمدتاً از شیخ زادگان مرتجع و جاشهای سابق ، قشودا لبا ، دزدها و قلدرهای ضد مردم تشکیل شده اند ، آنها در دوران پهلوی جزو نزدیکان شاه بودند . شیخ مادج رئیس "سپاه" با خاشنوا ده سنا هجا یکتا ر روابط نزدیک داشت بقیه در صفحه ۱۲

برقرار باد خود مختاری خلقها در چهارچوب ایرانی مستقل و دمکراتیک

جنبش دهقانی



مبارزات دهقانان منطقه "سلدوز" ارومیه

دهقانان منطقه "سلدوز" ارومیه بر شدت مبارزه خود بر علیه فئودالها افزوده اند، در روستاهای "بارانی" و "یا دگارلو" دهقانان زمینهای فئودالها را مصادره نموده و شخم زده اند. در روستای "بارانی" حدود ۷۰ خانوار از خوش نشینان جمعا ۱۴۰ هکتار ازمینهای متعلق به "محمدباقرخان احمدلو" و "سیدحسین اردهالی" فئودالهای منطقه را تصرف کرده و دیگر دهقانان نیز با واگذاری تراکتور و سایر وسایل لازم به آنان باری رسانده اند. در دیگر روستاهای منطقه "سلدوز" دهقانان هر چند بیعلاست ریزش برف نتوانسته اند در مورد ضبط زمینهای فئودالها اقدام کنند، ولی سوگند خورده اند که در اولین فرصت آنها را عملی سازند. دهقانان میگویند که اگر کسی بخواد مانع مصادره زمین فئودالها گردد، با اسلحه دولت (۱) دست به قتل و مصلحت خواهد زد.

(۱) - دولت به منظور "حکما کردها" اسلحه در اختیار دهقانان قرار داده است. اما دهقانان که دریافتند دشمنان آنها به حل میسر نکرد، بلکه فئودالها و حامیان آنها مسامحه ندارند، اقدام به سلاحهای خود را علیه فئودالها استفاده کنند که اسلحههای خودشان را بدهند و در آنگاه سیاسی دهقانان را محسوس میکند.

را بیشتر می شناسند و کمک هایشان را به آنان افزایش می دهند. نفعات مسلح به پیشمرگه میگردند. پیشمرگه ها مسلحانه یکمک دهقانان که در مقابل تجار و مالکان ابدستادگی میکردند، می شتابند و هر جا که مزدوران مسلح مالکان پیشمرگه ها را بمحاصره می آورند، دهقانان و مردم شهری از اطراف به کمک آنها می آیند، در مناطقی که کار سیاسی کم شده بود یا راهی از دهقانان محافظه کار میترسیدند و می گفتند "شما منطقه ما را به آتش و آشوب می کشید و ما لک ها از این بسعد ما را راحت نمی گذارند و ما را میکشد ولی اکثریت مخالف نظر آنها بود"، رفقا در تصمیم گیری همتها استکار نکرده اند و تکیه می کنند از بالای سر نکرده اند عمل نمی کنند. در مورد بحث های سیاسی از یکی از برخوردها درمی گیرد. رفیق می گوید: "اوایل میخواستیم مسئله را خودمان و از طریق نظامی حل بکنیم، ولی بعد از بحث و بررسی تصمیم گرفتیم که مردم منطقه را به داخل جریان بکشیم و از آنها کمک بگیریم برای حل مسئله نمی گفتیم بگذار آنها هم دخالت نکنند، چرا در جانش با بستند و ما شایکند" و بگفته خود رفیق "این طرز برخورد بین دهقانان تا سرزایدی داشت". برای ارزیابی موضوع که مردم بطور با این رویکرد برخورد میکنند و نیز تعیین تکلیف نظرات با راهی از روشنگران که رهبران استادا تشکیل پیشمرگه بقیه در صفحه ۴

سخنی درباره کتاب :

"اتحادیه دهقانی مریوان و تجربه های آن"

گفتگو با رفیق شهید فواد مصطفی سلطانی

مسلح بودن، مسلحانه اعمال قدرت میکردن و سعی میکردن اجازه ندهند که دهقانها فعالیت بکنن و تشکیلی داشته باشن، برای دفاع از این تشکیلات حداقل، دهقانها میبایست مسلح باشن تا بتونن وحدت خودشون برای رسیدن به هدف حفظ کنند. جدا شدن و بریدن از کار سیاسی در شهر و کمت در روستاها برای فزاید توده ها نبود. عده ای مسلح پیشتر نبودند. چریک جدا از توده ها نبودند. خود رفیق بدستی طرح میکنند "خس که نبودیم به کوه بزنیم". آنها برای شرکت در مبارزه اصلی و واقعی توده ها ست که پیشتر زمینشوند. در شرایطی که توده ها در مقابل فشار آریا بان و قیاده موقت و دولت دیگر به ضرورت تجمع سابق به آن شکل هیچ اعتقادی نداشتند.

"در شرایطی که آنها مسلح بودن و مسلحانه اعمال قدرت میکردن وسیع میگرددن اجازه ندهند که دهقانها فعالیت بکنن و تشکیلی داشته باشن و میبایست دهقانها مسلح باشن و "هدف از بین رفتن از شهر عبارت بود از کار سیاسی - تشکیلاتی در میان مردم. در اینجا ست که اختلاف مشی چریکی و مشی توده ای - انقلابی در پراکتیک مبارزات توده ها با شرکت خود توده ها بصورت مشخص شروع میشود". گروه پیشمرگه مسلحانه در روستاها گشت زده و به کار سیاسی، با لایردن آگاهی سیاسی دهقانان و متشکل نمودن آنان می پرداختند. بیعت و وسعت منطقه و جان گرفتن مجدد مالکان، دهقانها "از لیس مالکها تظار هسه هواداری شاه میکردن" رفیق روشنگر - انه و از بلایه توده ها بر خورد نمی کند... " ما ضرورت میبایست با آن وضع مبارزه نکنیم و دهقانها را رواقع بکنیم که شاه خوب نبود و اگر وضع تازه وضع خوبی نیست دلیل نمیشود که فکر کنیم اون بهتر بود". آنها دستاوردهای انقلاب را (که هر چند ناقص ولی برای گسترش مبارزات سودمند بود) برای مردم بیان میکنند. ضرورت تشکیل شورای انقلابی دهوا تحادیه های دهقانی و نقش سلاح را در عقب نشان دادن دشمن به توده های دهقان توضیح میدهند. در تولید دهقانان شرکت میکنند، به مذهب و رسوم آنان احترام می گذارند و حتی در جمع ها گاه ملای آبادی را نیز دعوت میکنند. دهقانان "تحادیه"

برداشتها و تجارسی که رفیق در این گفتگو ارائه می دهد، یک مورد نمونه و از زنگرش توده ای یک انقلابی کمونیست و مبارزان استین آرمات توده های زحمتکش است. تجارسی که دستاورد شرکت مستقیم در مبارزات طبقاتی و پیوند دادن تئوری انقلابی با مبارزات جاری و روزمره توده ها ست. هر چند جزوه مزبور بدلیل شکل ایجادش (که حاصل گفتگو با رفیق است) نمیتواند یک بررسی جامع در زمینه مسائل مورد بحث باشد، ولی طنسرح ماقده و زنده مسائل مهمی را در ارتباط با کار توده ای رفیق فواد دورقانی وی در میان دهقانان مریوان در بر دارد.

★ ★ ★

مالکان که تا آخرین لحظه های عمر رژیم شاه طرفدار سرسختی بودند وقتی فهمیدند که شاه رفتنی است تغییر جهت دادند و برای تامین منافع طبقاتی خود از خمینی پشتیبانی کردند. آنها شروع به تشکل و مسلح نمودن خود و هجوم به دهقانان نمودند. در مقابل دهقانان برای دفاع مشترک در برابر ما لکن یکمک روشنگران انقلابی که از مدتی پیش از خواستهای دهقانان حمایت و در مبارزه شان شرکت می جستند، اتحادیه دهقانی تشکیل می دهند و مسلح میشوند. مالکان و نیروهای پشتیبان آنان، قیاده موقت و مفتی زاده، شروع به حمله و خلع سلاح دهقانان میکنند. دهقانان که هنوز تا قدرتشکل و آگاهی لازم هستند در مواردی خلع سلاح و مرعوب می گردند. جلسه تحادیه دهقانان که در برابر هجوم دشمن دچار ضربه شده و تشکل و روحیه اش آسیب دیده بدون شرکت نمایندگان تمام دهاتی که عضو بودند تشکیل میشود و تصمیم به مقاومت و تشکیلات پیشمرگه می گیرد. اولین گروه پیشمرگه با شرکت رفیق فواد بعد از ۷، ۸ روز راهیما می تصمیم می گیرد که گشت در روستاها را شروع کند.

از نظر رفیق فواد "ادامه کار سیاسی بصورت قبلی و علنی امکان نداشت". وضع تغییر کرده بود "قیاده موقت و مالکان هجوم آورده بودند و میکوشیدند خفقان قبلی را به مردم تحمیل نمایند، ولی "ما دگی مردم بیشتر شده بود". در شرایطی که آنها

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

پس از اشغال سفارت آمریکا در ایران و گروگان گیری ما مورین لانه جاسوسی، هفته‌ای نیست که مردم ایران شاهد آموخته‌های "مسلمانان" آمریکا - شی بهایران نباشند. این مسلمانان که محقق و استاد اسلام شناس و... معرفی میشوند از سران حکومت دیدن میکنند در صفحه تلویزیون ظاهر می‌شوند و با دقت تمام مبرتا به مورد نظرشان را با جرات می‌آورند. چرا پای اینان به ایران باز شده است؟ درک این موضوع زیاده‌مشکل نیست، امپریالیسم آمریکا در کنار سیاست‌های رسمی خود تهدیدها و اقدامات عملی دیگر در رابطه با آزاد ساختن گروگانها، تلاش‌های غیررسمی دیگری را نیز پیگیری می‌کند. تبلیغات غیرمستقیم بنفع آمریکا و بسازش کشاندن قدرتمندان حاکم در ایران بعمل می‌آورد. صدا البته بهترین کسانی که میتواند چنین نقشی را بازی کنند آقایان بیژن پروفسورهای و محققین آمریکائی در رشته اسلام ویا "مسلمانهای" سرشناس آمریکائی هستند.

واقعاً که این شیخ آمریکائی از طرف حاکمان امپریالیسم در ایران که دولت و شورای انقلاب را قبضه کرده اند سخن میگوید. سرسپردگان و بسوزوا - لیبرالهای ایرانی نیز درست همین فکر را میکنند. آنها نیز گروگان گیری را گذرا میدانند، بهمین دلیل است که حتی حاضر نشده‌اند در تفت به آمریکا را قطع کنند تا چه رسد به قطع روابط با امپریالیسم آمریکا که خواست خلق و تمامی نیروهای انقلابی است.

از دیگر سخنان اینان در برتا مه‌های تلویزیون - نی خود، مقداری بدگویی ازشا است و کوشش بسیاری جا انداختن این موضوع در ذهن مردم که رابطه ایران و آمریکا ناگسستنی است. این آقایان هم -

"من در مذاکراتم با کارتر راجع به گروگانها چنین چنان گفتم..."!

یعنی ایشان قبل از مسافرت به ایران آقایان کارتر را دیده و صحبت کرده و دستورالعمل‌های لازم را گرفته‌اند.

معرف و دوستان ایرانی این جاسوسان کیست؟!

اینها که گفتیم یک طرف قضیه است اما آیا به عقل جور در می‌آید که بگوئیم این آقایان ما موریه همین سادگی از آنسوی کره زمین بلند میشوند و به ایران می‌آیند و صاف ساده از تلویزیون و منبر قدرتمندان سرد می‌آورند؟ آیا...

پرفسورهای "مسلمان" یا موریه‌ها!

● پرفسور "حامد الگار" دست‌آقای یزدی برای چه به ایران می‌آید؟!

چنین کوشش میکنند که بگویند در آمریکا اسلام چه وضع خوبی دارد و حکومت آمریکا چگونه مسلمانان را مورد حمایت خود قرار میدهد و بدین ترتیب ایجا دخواست - یعنی نسبت به آمریکا و... اما مورد دیگر برتا مه‌های ما مورین آمریکا - شی شناس با ما حبان قدرت و بخصوص آیت الله خمینی است. اینها در این کار نیز موفق هستند اگر کندی و یا وزیر امور خارجه آمریکا نمیتوانند باقی بگذارند، در عوض اینها براهی میتوانند و در این جا نیز هدف از آمدن گروگانها و تبلیغات غیر - مستقیم بنفع آمریکا است.

آیا معقول است که آیت الله خمینی بدون معرفی شدن این ما مورین، بعنوان اسلام شناس و مسلمان و... از طریق نزدیکان خود، آنها را در خانه‌اش بپذیرد؟ مسلماً جواب منفی است. اما پیدا کردن دوستان این آقایان (ما مورین) در ایران زیاد مشکل نیست. سراغ یکی از آنها می‌رویم. یکی از این پرفسورهای مسلمان، بنام "پرفسور حامد الگار" (که املا انگلیسی است و ساکن آمریکا و مترجم برخی آثار اسلامی) از دوستان و نزدیکان آقای یزدی است. که سالها در آمریکا با آقای یزدی دم خور بوده است. شغل شریف این پرفسور جاسوسی برای "سیا" میباشد و با طرز همین دوستی نزدیک با آقای یزدی است که این پرفسور امکان می‌یابد پیش امام بروید و با او معا حبه بلندبالائی بنماید، او در تلویزیون ظاهر میشود و بدین ترتیب برتا مه‌های خود را به جرات می‌آورد. آری به برکت دلالی آقای یزدی و امثالهم این جاسوسان آمریکائی امکان می‌یابند از تلویزیونی که بقول مسئولینش دقیقه‌ای هزار تومان برای مردم ایران خرج بر میدارد، صاف صفت کنند، و این درحالیست که زحمتکشان و نیروهای انقلابی ما املاً چنین حقی ندارند!

نگاهی به برنامه‌های این جاسوسان

اما برتا مه‌های تلویزیونی این آقایان ما مور، اغلب شبیه هم است: اول تعریف و تمجید از "انقلاب اسلامی" ایران و آیت الله خمینی و بدین ترتیب فریب تماشاچیان و شنوندگان ناآگاه و جاهل کردن این مسئله در ذهن مردم که ما حاکم "انقلاب" شاعیم.

منظور آقای شیخ محمدباقر فرشی از جنبه نفسی و گذرا همان گروگان گیری است. او در واقع اینطور تبلیغ میکند، که ای مردم ایران هر چند این کار کمی ایراد داشته است ولی عیب ندارد، "گذراست"!

شلیزنگر: حمایت از الله!

از زمانی که شلیزنگر وزیر انرژی کنونی آقای کارتر و وزیر دفاع و فرمانروای سابق "پنتاگون" گفت: "بهترین راه برای تأمین منابع آمریکادر حاکم و مبارزه با حمایت از الله است"!

خطی نمی‌گذرد و سازمان جاسوسی آمریکا به کمک دوستان و سرسپردگان ایرانیش زود و خوب توانسته است این برتا مه را به اجرا درآورد. راه افتادن پرفسورها و مساعیان آمریکا شی بهایران پس از اشغال سفارت و گروگان گیری جاسوسان آمریکا شی، جزئی از همین برتا مه‌های حمایت از "الله" و حمایت از "اسلام" کاخ سفید نشینان و اداره جاسوسی (سیا) آمریکا است. این برتا مه‌های حمایت از الله و اسلام امروز بطور جدی از جانب امپریالیسم آمریکا دنبال میشود، گزارشات واصله نشان میدهد که در روز ۱۴ دسامبر (برابر با ۲۳ آذر) در "شورای امنیت ملی آمریکا" (بالاترین مرجعی که در آمریکا مسائل مربوط به امنیت آمریکا را در سطح جهان مورد بررسی قرار میدهد) طرحی بتصویب رسیده که هدف آن تبلیغات اسلامی است. راه رسیدن بقیه در صفحه ۱۲

"ابتکار" شخصی یا ابتکار سیا!

این آقایان تلاش میکنند که این رفت و آمدها را با توافقی و از موضع ابتکار شخصی قلمداد کنند. ولی بیستدگان آگاه و هوشیار تلویزیون خوبی میتوانند دریابند که چنین نیست. بطور مثال در یکی از معا حبه‌های قبلی (چند هفته پیش) در تلویزیون با چندتن از این آقایان پرفسور و مسلمانان آمریکا شی کاشف بعمل آمد که هر کدام از این آقایان از یک گوشه آمریکا بزرگ ۲۵۰ میلیون نفی هستند و عجیب این بود که اینان چگونه و چگونه همدیگر را گیر آورده‌اند. بهمین خاطر وقتی خبرنگارها هوش تلو - یزیون از آنها پرسید که چگونه همدیگر را می‌شناسند و چگونه شده که همه به ایران آمده‌اند سخنگوی این آقایان ما مور چنین گفت:

"ما هنگام دعای برای گروگانها در زیر مجلس آزادی همدیگر را پیدا کردیم و تصمیم به مسافرت به ایران گرفتیم"!

اما آیا واقعیت بهمین سادگی است و توده‌های آگاه ما به چنین باوه‌هایی باور دارند؟ هرگز! در واقع اگر ادعای دروغ این آقایان جاسوس را به زبان بشری! خودمانی ترجمه کنیم باید بجای آنها بگوئیم که: ما کنفرانسی (همان مجلس دعا است!) تشکیل دادیم تا نسبت به راه‌های مختلف آزادی گروگانها، بهبود بخشیدن به روابط دولت ایران و دولت آمریکا، که تحت تاثیر مبارزه خلق دچار تیرگی و بلبلوشی شده است، خوشبین کردن مردم ایران نسبت به آمریکا، بدست آوردن دل قدرتمندان حاکم در ایران و تبلیغات غیرمستقیم بنفع آمریکا و... آری نسبت به اینگونه مسائل صحبت کنیم. در نتیجه قرار شد ما مور برای این برنامه با شیم و بلافاصله راهی ایران شدیم... به سخن یکی دیگر از این قبیل جاسوسان مسلمان ریش‌دار (البته این یکی عبا و عمامه هم دارد) گوش میدهم آقای شیخ محمدشری رهبر شیعیان آمریکا آشکارا می‌گوید:

افشای ضد انقلاب خدمت به انقلاب است

ولی ما تا تمام قوا با فضای دوجبهه اول و دوم دست می زنیم. زیرا این دوجبهه، دوجبهه امپریالیستی و ارتجاعی بوده و در رقابت با یکدیگر عمل میکنند و هر کدام از این جبهه‌ها برای سهم بیشتری از غارت و جپاول مبارزه میکنند.

برزنف این تزارکرمین که همانند سایر امپریالیست‌ها عمل میکنند می گوید: "بدیهی است که هیچگونه مداخله‌ی تاجا و زوجوندانداشته و ندارد (!) ما به افغانستان نوسیداد، به تقاضای دولت، سن کشور در امداد از استقلال ملی، آزادی و حیثیت کشور خویش در برابر عملیات تاجا و زکاران و مداخله مسلحانه زخارج کمک می کنیم." (مما جبهه برزنف،

ما رکسیم - لنینیم "را نادیده گرفته اند! از نقطه نظر لنین رویزونیست‌ها عاملین و سگان نگهبان بورژوازی هستند. ولی از نقطه نظر رفقای فدائی رویزونیست‌ها مداخله‌ی "جپ و" ترقی - خواه "بحساب می‌آیند. این سیاست بی‌بند و کسب است؟ سیاستی که نه فاش کننده رویزونیسم بلکه منافع طرفداران آن است، سیاستی انحرافی و خدمتگزار و تخطوت کننده رویزونیسم و سورروازی می‌سازد. سیاستی که در عصر امپریالیسم رویزونیسم، اس‌حریان اندو - لوژیکی بورژوازی را "ترقی خواه" بشمار می‌آورد، سیاستی است که علیه پرولتاریا و مارکسیم - لنینیم سنگر گرفته است.

"برجم" و "خلق" کردند. لیکن مسئله آنقدر روشن است که انگارنا پذیراست، زیرا حتی خود رفقا در برخورد با آنها صحبت از نیروی می‌کنند که به "توده‌های وسیع دهقانان و زحمتکش" انگارنا داشته و "در طول حیات سیاسی خود پیش از آنکه به نفوذ در توده‌های دهقانان افغان اندیشیده‌اشد، به نفوذ در ماشین حکومتی و تسخیر قدرت از طریق کودتا می‌اندیشیده‌است" (سر - مقاله "گار" شماره ۴۰)

این مدعیان مارکسیم - لنینیم و مداخله توده‌ها که پیوسته به کسب قدرت از طریق انقلاب قهرآمیز توده‌ها، بلکه از طریق نفوذ در دولت و انجام کودتا در بالا ندیشیده‌اند، آن‌ها که به راه پارلمان و عنایت "بالایی"ها چشم دوخته و به پرولتاریا و توده‌ها اعتماد ندارند، جزممان "مجرمان حقیقی رفرمیسم" یعنی رویزونیست‌ها می‌باشند؟ ما از رفقای فدائی سؤال می‌کنیم چه ترقی هست بین رویزونیست‌ها و توده‌های و احزاب برجم و خلق؟ قبل از پیدا شدن شوروی بی‌منا به یک قدرت سوسیال -

امپریالیستی، رویزونیست‌ها بر اساس ما هستند سازشکارانه و تسلیم طلبانه خود می‌کوشیدند تا راه پارلمان را راه پیروزی قلمداد کرده، توده‌ها را فریب داده و سلطه بورژوازی را تداوم بخشند. ولی از هنگامیکه شوروی خلافت امپریالیستی پیدا کرده و دست‌ها را مستقیم دست زده است، علاوه بر اینکه می‌کوشد تا ترو رویزونیستی "گذا رما لمت آمیز" را تبلیغ کرده و در جنبش‌ها نفوذ نموده و آنها را به انجام ندادن، اما فدرال با آنها که رویزونیست‌های مزدور و سرپرده‌گان بومی با آنها و با راه‌ها به نواز و کودتا نیز دست زده‌است. در واقع احزاب وابسته به شوروی با توجه به موقعیت خود سیاست و منافع سوسیال امپریالیسم روسیه در هر مقطع، حرکت خود را تنظیم می‌نمایند.

زمانی که خود شوخ‌خاشن همزمان با سازش‌ها آمریکا به طرح "ترگذا رما لمت آمیز" پرداخته و با رژیم وابسته‌ها وارد "مناسبات صلح آمیز و متقابل" گردید، کمیته مرکزی حزب توده به تاشید "فرمهای ارضی شاه" و "سلطنت شاه" دست زده و خواستار آزادی فعالیت علنی می‌شود و زمانی که مبارزات توده‌ها در میهن ما بیش از پیش رشد یافته و با اوج و اعتلای انقلابی روبروست و در عرصه بین المللی نیز بی‌سن سواری و آمریکا رقابت شدت یافته و دیدن لحاظ سواری با رژیم شاه آمریکا می‌کشد، کمیته مرکزی حزب توده به طرح تزارتجاعی "جبهه متحدیگتا - توری" با شرکت "جناح دورا ندیش هیئت حاکمه" اقدام کرده و از "ضربت مسلحانه ناگهانی" ویا کودتا صحبت می‌کند.

این قانومندی حرکت احزاب رویزونیست و سرپرده شوروی است. سیاست آنها بر مداخله است و مداخله توسعه طلبانه شوروی می‌چرخد و حرکت با توده‌های رویزونیستی "برجم" و "خلق" از این قاعده مستثنی نبوده و نمی‌باشد. این با تدها از دیرباز ز نگهبانان منافع سوسیال امپریالیسم شوروی بوده و فرسنگها فرسنگ بطور کیفی با احزاب و نیروهای راستین مارکسیست - لنینیت و انقلابی فاصله دارند. آن‌ها مانند حزب توده در حرف‌ها دانسته از مارکسیم سخن می‌گویند، ولی در عمل عاملین اجرائی سیاست شوروی می‌باشند، حال رفقای مداخلی به این باندهای رویزونیستی - انتقاد دوستانه "می‌کنند که چرا" آموزش‌های انقلابی

● رفقای فدائی! علیرغم گفتار تحریف آمیز شما در افغانستان سه جبهه متخاصم وجود دارد: اول جبهه سوسیال امپریالیسم و پاندهای وابسته بدان نظیر "بیرک کارمل" دوم، جبهه امپریالیسم آمریکا و خوانین و نیروهای مذهبی مرتجع رویزونیست‌های خائن چین و رژیم مزدور پاکستان و سوم جبهه خلق و نیروهای راستین انقلابی و مترقی و نیز کمونیستی. ما همچون شما نه طرفدار جبهه اول، بلکه طرفدار جبهه سوم هستیم.

● ما از رفقای فدائی سؤال می‌کنیم که چگونه رویزونیست‌های "خلق" و "برجم" که با ظاهر شاه سازش کرده و "بیرک کارمل" مزدور که معتقد بود "ظاهر شاه" مترقیترین شاه آسیاست! و پس از بقدرت رسیدن اعتراف کرد که در زمان یاران قدیمی اش چون "حفیظ الله امین" ۱۲ هزار نفر زندانی سیاسی کشته شده‌اند، "جپ" و مترقی نامیده می‌شوند؟ و چگونه عمل سوسیال امپریالیسم روسیه که "ترهکی" و "امین" را سلح کرده‌است، از نظر آنان محکوم نیست و سلطه جویانه تلقی نمی‌شود؟

● رفقای فدائی! فقط صحبت از دوسر و متخاصم در افغانستان می‌کنند: یکی "نیروهای ترقی خواه" چون "برجم" و "خلق" و دیگری فئودالها و عوامل امپریالیسم آمریکا. رفقای فدائی برای اینکه مدعا شرمگینانده خود را از دخالت سوسیال امپریالیسم شوروی موجه جلوه دهند، فقط از دو قطب فوق صحبت میکنند و نیروهای کمونیست و انقلابی که به محکوم نمودن آنها جم شوروی می‌پردا زند را جا بیدا خوانش و آمربگسا قلمداد می‌کنند. رفقای فدائی! علیرغم گفتار تحریف آمیز و دیدگاه نیکو شما، واقعیت مبارزه طبقاتی راستی توان گمان کرد. بنظر ما در افغانستان سه جبهه متخاصم وجود دارد. اول - جبهه سوسیال امپریالیسم شوروی و باندهای مرتجع و جاسوسان وابسته بدان و در این میان رژیم "بیرک کارمل" که برخلاف گفتار شما بهیچوجه "در جهت منافع توده مردمی عمل" نمی‌کند. دوم - جبهه امپریالیسم آمریکا و خوانین و نیروهای فئودال مذهبی مرتجع (که متاسفانه توده‌های از دهقانان ناآگاه را بدنبال خود دارند) و مجموعه نیروهای ارتجاعی بین المللی که از آنان حمایت می‌کنند، همچون رویزونیست‌های خائن حاکم بر حزب و دولت چین، رژیم مزدور پاکستان و سوم - جبهه خلق و نیروهای راستین انقلابی و مترقی و نیز کمونیستی.

ما مدافع و پشتیبان جبهه سوم هستیم زیرا جبهه جنبش و انقلاب است. زیرا علیه هرگونه ستم و اسارت امپریالیستی و برای آزادی واقعی مبارزه میکنند. امروز نیروهای انقلابی و کمونیستی افغانستان ضعیف هستند ولیکن ضعف کمی آنها بهیچوجه نفی کننده حقایق تاریخی و انقلابی آنان و نتیجتاً انجام وظیفه انترناسیونالیستی کمونیست‌های جهان در قبال آنان نمی‌تواند باشد.

مندرجه در "مردم"، ۲۴، دسامبر ۵۸). برزنف در بی‌انست تا شوروی تاجا و زکارا بدروغ منجی بحریت جابزند و بدین طریق هر تاجا و زحمله را موجه جلوه دهد. و رفقای فدائی بدنبال روی از رویزونیست‌ها می‌نویسند: "بنا کمیته مرکزی حزب توده، گرچه بطور خجولانه، به تاشیدنها حم شوروی و شوکران بومی کودتاچی اومی پردا زند و تاجا را جدیدرا دنا به منادیان صلح و پیمان آوران سوسیالیسم جابزینند و می‌نویسند: "اتحاد شوروی ... مدافع از حکومتی برخاسته است که در جهت منافع توده مردمی عمل می‌کند که به منافع تاریخی خود آگاه نیستند." (سر مقاله کار شماره ۴۰)

رفقای فدائی بجای افشای ماهیت تاجا و زکاران شوروی، همه توده‌های افغان را "بله" و "ناآگاه" بشمار آورده و خواسته‌ها با خواسته‌های توده‌ها می‌پردازند. رفقای فدائی بجای افشای حکومت مزدور "بیرک کارمل"، آنها مدافع منافع مردم به حساب می‌آورند! ما سوال می‌کنیم مگر همین توده‌های رویزونیستی "خلق" و "برجم" نبودند که سازش با طاغرها به تاجا و سابق افغانستان پرداخته و در پارلمان شاهنشاهی به فریب خلق مشغول بودند؟ مگر همین "بیرک کارمل" مزدور نبود که معتقد بود ظاهر شاه "مترقی ترین شاه آسیاست؟" آیا شاه مترقی هم، ریم؟! مگر همین "بیرک کارمل" سرپرده نبود که پس از به قدرت رسیدن اعتراف کرد که در زمان یاران قدیمی اش چون "حفیظ الله امین" ۱۲ هزار زندانی سیاسی کشته شدند؟ و مگر همین سوسیال امپریالیسم روسیه نبود که رژیمهای وابسته "ترهکی" و "امین" را مسلح می‌نمود تا آنان به کشتار خلق بپردازند؟

رفقای فدائی! شدیدگرایش رویزونیستی در سقیه در صفحه ۴

بقیه از صفحه ۶ سپاه زرکاری ...

روابط این دارو دست به نا به حدی نزدیک سودکمه بین آنها هدایای مخصوص رد و بدل میشد. رهبر دیگر آنها شیخ ناصح، عیاش و خوشگذران با بیول ناشی از دسترنج مردم زحمتکش کردستان و کماهی ترکمسی صحرا که بعنوان هدایا به بارگاه آنها داده میشدند عیش و نوش پیدا ختنند. تا آنجا که ما "فرزان" هنرپیشه هرهزه زمان شاه از دواج مکرده، آنها به اس اکتفا نکرده که کماهی گستاخی را بحدی مبرمانندند که از مریدانشان هدایای انسانی می گرفتند. آنها حنا ستکارانی هستند که از نجا ور به نام موس مردم، دزدی، غارتگری اموال عمومی، جاسوسی، خود - فروشی، فحشا و اسواغ هررگی بدطولانی دارند. آنها کاح حکومتان را از راه سکاری مردم زحمتکش و سولپائی که اسرا و ک دریا مس مگردند بنا نمودند. اس حنا ستکاران در هنگام تمام مردم ایران از سراسر اسعاصم خود را به دما مان بخشهای عراق انداختند و اکسون که جنبش مقاومت خلق کردستان خود را به اشنا رسانده است و در سطح بین المللی حسابی شخص خود را ساخته است، حکومت بعث عراق به تکتا بیوفاده و برای سنگ اندازی در راه این جنبش بهره های خود را یکی سس اردنگری نگار انداخته و اسن دارو دست خود و روش را در کردستان ایران علم کرده است. ما را این طریقی به خیال خود جنبش خلق کردستان را در برنگسجا عدم کرده است و حتی قطعه قطعه نموده و بیس از نس میلیون مردم آنجا را کوچانده و در حدود ۱۳۰۰ دهه را خاک بکمان نموده چگونه میخواهد از حقوق خلق کردستان دفاع نماید؟

انقلابسون کرد و خلقهای دیگر ایران به ساری توده های زحمتکش یوزدهمین حنا ستکاران را بر زمین خواهد اما لسود و دیگر رهبران حنا ستکار سبیا زرکاری نخواهند توانست سوطه ها شان را شکل بدهند. زیرا آنها با مهربانقلابی خلق کرد که عمیقاً از پشتیبانی خلقهای ایران برخوردار هستند، روسرو میباشند و آنها را ساری سومین بار در بدر و آواره خواهند یافت. ما را اول بعلت خدمت به فصل پادشاه نوکرا میریالیسم انگلیس در برابر انقلاب مردم عراق در سال ۱۹۵۸ که در نسجه به ایران گریخته است دما مان ساواک پنا ه بردند. با روم با قهر انقلابی توده های مردم ایران و بربرگشتند و به جرم خدمت به خاندان حنا ستکار ریهلوی بدما مان اربابان بعشی - شان قرار گرفتند و اسن با ربا ساطفیان انقلابی خلق رزمینده کرد در کردستان ایران و ما مهربانقلابی پیشمرگان خلق روسرو هستند که راه مرا رنزنخواهند داشت و عاقبت به دام حوا هندا افتاد؛ اکنون نمونه -

ها شی از جنایات عده ای از رهبران این دارو دست ره برمی شماریم .

در سالهای ۴۳ و ۴۵ یکی از ازمین رهبران زمین - ها و بیانات مردم زحمتکش قریه "نوبین" واقع در "ههورا مان" را غصب کرده و با سنجلی همان زمینها را به صاحبان آنها اجازه داده است. همین شخصی در هریان کودتای ۲۸ مرداد نقش موثر داشت و یکی از یاران وفادار شاه بوده است. با زمین شخصی و یکی از سراسر اش در پرا شیز سال ۵۸ بزور اسلحه از مردم زحمتکش نوبین بهره ما لکانه گرفته اند. مساره زه مردم زحمتکش نوبین ههورا علیه این ظالمسان جنا ستکارا دما هدا شته است و ههورا ساواک و ژاندارن مری از این جنایات پشتیبانی کرده اند. حتی در این راه شهید ملا مین جدوری که توسط شیخ بزندان افتاده شهید گردیده است .

یکی دیگر از رهبران آنها در زمان شاه عضو مجلس شورای ملی بود. ۲ نفر دیگر کارمندان رادیسو - نلو بیزیون و ما مورساواک، در زمان شاه جلا د اسپن دارو دست ههورا در تمام اعبا دوجشهای شاهانه صورت فعال شرکت کرده، مردم را نیز در این راه فریب می دادند. افراد مسلح این سپاه هم اکنون از جنده، بزور اسلحه و بیول دریافت کرده اند. در قریه برده رشه مریوان رئیس سپاه شیخ مادم زمینهای دهقانان را بزور غصب کرده است. در قریه سورکسه ول مریوان شیخ محمد نامی نه تنها زمینهای دهقانان را بزور غصب کرده بلکه بارها ناموس مردم را مسوردتخا و ز خود قرار داده است .

بیش از یکما هونیم از تشکیل سپاه زرکاری نمی گذرد که حدود هزارتا هزارا رودوست (۱۲۰۰) نفر را از مردم ساده و زحمتکش با پول و اسلحه بعثت و شاه مسلح نموده اند. مردم ساده ای که بیخاطری و حتی خوساوری نسبت به مسئله خود مختاری و حتی عده ای تنها به عشق به دست آوردن اسلحه به اشنا بان روی آورده اند، و نا آگاهانه به دما رهبران حنا ستکار سپاه زرکاری افتادند. اینها فریب خوردگانی هستند که گمانهای ندارند و میتوان با افشاگری بیدارشان کرد.

سپاه زرکاری در بین مردم پایگاهی ندارد تنها انگای آنها به اسلحه و پول عراقی است و تنها کتون از چندین دهه سیروشان کرده اند. آنها به دروغ و ربا کارانه خود را دوست نیروهای مترقی معرفتی میکنند تا جای پای بی بدست آورند و بر عکس در حاله های که پایگاهی داشته باشند علیه این نیروها تبلیغ میکنند. آنها خود را دوست "گومهله" معرفی میکنند تا سبب ترسب افراد مسلح خود را که کسراً از زحمتکشان روستا هستند فریب دهند. آنها تا کتون هزاران قبضه اسلحه و صدها هزار دینار عراقی دریافت کرده اند و ما خوب میدانیم که این سیل عظیم پول و اسلحه به ایران تنها میتواند دعوت قب و خمی سبار آورد، لطعات جبران ناپذیر به جنبش خلقهای ایران وارد آورده در راه جنبش طبقه کارگران ایران موانع بزرگی ایجاد کند. این دارو دسته میشود و سندر آینه بهمنوان نیروی سرکوبگر در آید. این میهم نیست که اسما را آنها در دست چه کسی باشد، اسما - آمریکا - بعثت عراق و با جمهوری اسلامی ایران. تنها بر علیه انقلابسون واقعی چه در کردستان و چه در نقاط دیگر

ایران - سنگر مترجمین و بنا هگا ه ما لکین و جا شها خواهد بود .

با توجه به جنبش اوضاع و احوالی و خطراتیکه وجود چنین نیروهای می تواند برای انقلاب ایران - عموماً و جنبش خلق کرد خصوصاً داشته باشد. ما زمان (گومهله) تصمیم خلق سلاح این نیروی وابسته به اجنبی را گرفت. برای ازمه پایبندن تشکیلات سیاسی و نظامی این دارو دستا ز همه نیروهای سیاسی مترقی و دمکراتیک و کارگری در کردستان و در سرتا - سربان میخواستیم ما را از نظر سیاسی و نظامی یاری دهند. بخصوص کمکهای سیاسی در افشای جنبش نیروهای چه در سطح کردستان و چه در سرتا سربان ما را یاری خواهد داد تا هر چه بیشتر و وسیعتر عمل انقلابی خود را توسعه داده و به حیات نیروهای مترجم و وابسته پایان دهیم. در این راه دست توانسای زحمتکشان انقلابی ایران پشت و پنا ه ما خواهد بود. از خلق ستم دیده کرده میخواستیم ما را کمک کنند تا نگذاریم بار دیگر نیروهای بیگانه پرست با پول و اسلحه خارجی ها بر سرنوشتمان حاکم شود و ما رزه حق طلبانه ستم دیدگان کرد را به (شاهش به تال (۱) دیگری بدل کنند تنها با اتکا به نیروی لایزال زحمتکشان میتوان در مبارزه طبقاتی پیروزی واقعی را در آغوش گرفت .

"مرگ بر نوکران بیگانه" "پیروز با دمبارزات طبقاتی زحمتکشان"

" سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایسران - کومهله" ۵۸/۱۱/۹

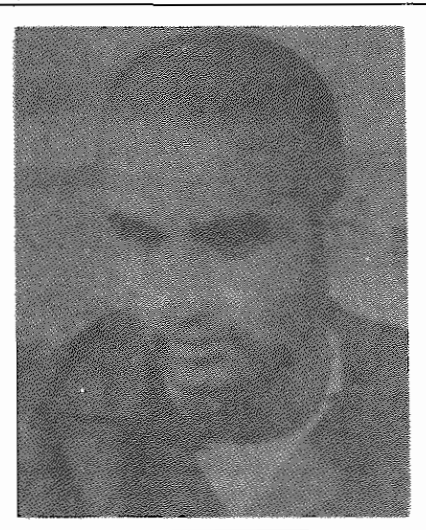
(۱) - (شاهش به تال) اصطلاحی است که بعد از خیانت با رزانی در کردستان عراق و ازمه پاشدن جنبش آن ساطمان بکار بریده میشود (بعنی شما شدن کار حشش)

بقیه از صفحه ۹ پرومورهای "مسلمان" ...

به این هدف عبا رتست از بهره گیری از احساسات مذهبی مسلمانان به نفع آمریکا و بر علیه نیروهای انقلابی و کمونیست در کشورهای مسلمان نشین جهان. کاری که قبلاً از طریق ما مورین بودایی در هندوسمی در کشورهای آفریقای و ... صورت میگرفت. برای اجرای مقدمات این طرح فعلاً ۳ میلیون دلار بودجه در نظر گرفته شده است و قرار است سه فرستنده را دیوشی برنامها های به زبان عربی (برای مسلمانان کشورهای عربی)، فارسی (برای ایران و افغانستان) و تاجیکستان شوروی) و ترکی (برای ترکیه و آذربایجان ایران و شوروی) بخش بنماید. اما آیا امپریالیسم آمریکا با این برنامها خواهد توانست طوفان انقلابی در کشورهای مسلمان نشین را که خلق ایران طلایه دار آن بوده است مهار کند؟ حداقل پاسخ مردم ایران تا حدی روشن است، اگر حامیان مسلمان و خیلی اسلامی امپریالیسم در ایران، نظیر آقای بازرگان و

بقیه در صفحه ۱۴

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



محسن بطحایی

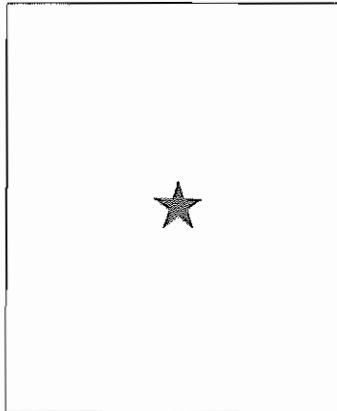
با مبارکت زمان انقلابی از خود نشان می داد. با داین رفیق شهید محسن بطحایی با علنی بودن خود امکان یافت سوجیبی را در اختیار سازمان قرار می داد و محسن را در راه پیشبرد اهداف انقلابیستاری می رساند. او در شاخه نظامی سازمان فعالیت میکرد و یکبار در همان روزهای سبگرد شد بدین زیرکی و هوشیاری تمام توانست ما مورب ساواک را بفریبید و فرار کند ولی محده آسانائی و دستگیر شد و سرانجام پس از تحمل شکنجه های سخت محکوم به اعدام گردید و در سوم سپس ماه بهنهاد برسد.

رفیق محمد طاهر رحیمی سرکه همراه ما اسس رفقا شهیدان رسید سرسرفرا را یک سمات دستگیر شد. رفیق در شاخه نظامی فعالیت داشت و در راه حمایت از خلق و مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و اعمال داخلش جان داد.

درو در همه شهیدان را آزادی و استقلال درود سرسیدانی که در راه منافع رحتکمان جان باختند.

تقیه از صفحه ۱۲ بیروفسورهای "مسلمان" ... برتری، حرمان و بیشتی و سریعتمداری و... توانسته اند مانع از حرکت و رسد انقلاب در ایران گردند و آنرا نکست دهند، امپریالیسم آمریکا از طریق "بیروفسور جا مدالگار" و "اسالیم بیروفسور" جواد شد. اما در مورد سایر حلقه های چپان با تکفیر مردم شتم- دنده چپان در کشورهای عربی و مسلمان شمس نخره بسیاری در اس زندنه دارند؛ با لیاست که حکومت اسلامی فصل در عربستان سعودی توده ها را به بند کشیده است، جنایات امپریالیسم آمریکا در اندونزی ستام اسلام و بدست "سوها رنوی" حلاله (دیکتاتور میلی اردونزی) و کشتار و قتل عام فحس و جنایتکارانه شمس از ۵۰۰ هزار نفر از کمونیستها و مبارزین اندونزی بجرم فدا امپریالیست بودن... همه و همه پیش روی خلقهای چپان است، جمهوری اسلامی صاع الحق این سرسپرده امپریالیسم آمریکا در پاکستان در حلقه چپان نیان است و... امپریالیسم آمریکا با این سادگی قادر به میا ز کردن انقلاب در کشورهای تحت سلطه و مسلمان نشین نیست.

گرامی باد خاطره رفقای شهید



محمد طاهر رحیمی

خود اعدام سیرده شدند. رفیق مسیژه اسرت راده کرمانی مارع التحصل مدرس عالی سا رکابی و کارمند سازمان برنامهد بود او در دوران دانشجویی با گروه های مترقی آشنا شد. آگاهی بسرا و به ما هب مدخلقی رژیم شاه از سبک طرف و رنج عظیم زحمتکمان از سوی دنگر و اسوی بیوسس به مناره انقلابی گما شد. او به حسن منسب ارسا زمان ما هدین خلق سیوس و با آنکه ما هل و نهدا رسود، در آن شرایط بسیار دشوار از اسنعداد و سروی انقلابی خود برای و هائی زحمتکمان ما سه کد است. رفیق مسیژه در شاخه نظامی سازمان فعالیت داشت و در "حرم" و تاداری به آرمائینای خلق درسدادگاه رژیم به اعدام محکوم شد، او اولین رسی است که در تاریخ جنایات رژیم شاه به جوجه اعدام سرده شد. حسن حکمی ارسوی دشمن، خود ما بکر حیمی سی با مان و در عس حال ما نوسا نهد بود کدر ریم در سال ادامه فعالیتهای انقلابی آسهم



در ساره نسل با دما در رفیق شهید مدینه رفائی را آوردیم، چون در آن هنگام عکس رفیق در دسترس نبود در این ساره اقدام به چاپ آن نمودیم.



مهیژه اشرفزاده کرمانی

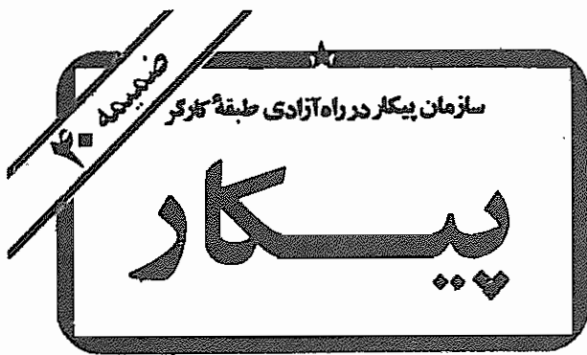
در سال ۵۲، رما سبکدانداناب سرگوبکر اسن تاسیسی رژیم وابسته امپریالیسم سا حاشس برای رسیدگی کردن مبارزات خلق در بنیاب اوج خود بود و ساواک، کمیته سرک جدا متلاح خرابکاری پس از حدس سال جنایات و حساک عدم کار آسبی خود را در با بود کردن سروهای انقلابی به اسباب رسانده بودند، رما سبکدانداناب ما هائی امپریالیستی و عمال و سرکای داخلی آنها برای اتحاد و حفظ "امنیت" انواع سوده های پلیسی سرگوب موسیل می شد. رما سبکدانداناب سرگوب سروری و ریدان و سبکدانداناب به دستم "حرف کسدن" و با متلاح سببیلکه عمدتاً شکل اجتماعونی دد مساه خود کرسد بود.

در سال ۵۲ رما سبکدانداناب امپریالیسم آمریکا ارسدب جسم ددان بریم می سرده و حواسا رسا سائی ور سه کن کردن سروهای انقلابی بود که با اعدام اسطلابی مساران سلابی آمریکا به آسهم قدرت جهتمسی سایی و نظامی و پلیسی دهن کچی سرگردند و حسم نوران نامدر حمتکمان با علیه سلطه امپریالیسم آمریکا را در عملیات و سانیات و فعالیتهای انقلابی خود مستکس می کردند.

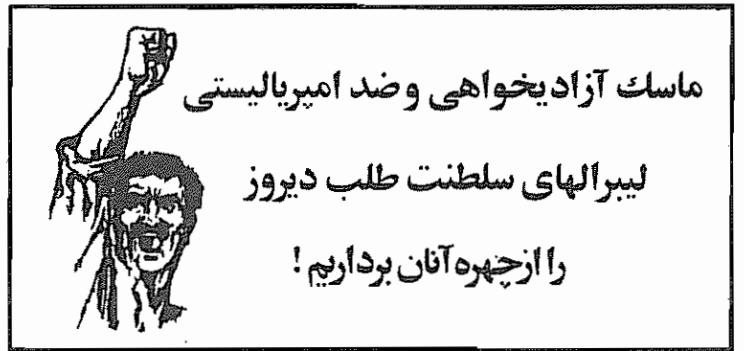
آری، در اس زمان که غاصب جوان دیور و انقلابی سباهای امروز را برای سرسوز آوردن از گریبان نبود و هر کد نام سخوی به سوجه سگوب رما با امسرا شنا به خود مسول بودند، سر و همسای انقلابی میهن ما جان سرکف همراه اسعی آسمن به خلق و کینه و به دشمن خلق در راه سرسردن به دشمن اصلی خلقهای ایران - آمریکا - و اسانی جنایات بیستما را و و عمال اس نظور حمتکی با در مسار ارد می کردند.

رفقای شهید، مهیژه اشرفزاده کرمانی، محسن بطحایی، و محمد طاهر رحیمی ارجحس مستعب ارسا زمان ما همدس خلق ایران ارحمیدان سسی انقلابیون بودند.


پس از اعدام انقلابی دومسار حاسوس آمریکا کئی سرهنگ سرور سرهنگ سرور در اسسان ۵۴ تورهای سبقت و مراکت بس ارسن کسر دند و اس رفقا همراه ما عده ای دیگر به اتمام افتادند. آنها بحت و حشانه ترین شکنجه های جسمی و روانی فرا گرفتند و پس از تحمل چندین ماه شکنجه طاقت برسا سرانجام در صبحگاه سوم سپس ماه ۱۳۵۴ به



دوشنبه ۸ بهمن ۵۸ بهاء : ۵ ریال



- ۱ -

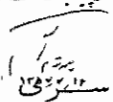

 مجلس شورای ملی
 سازمان مطبوعات اینست کور
 سرحد
 امنیت و آسایش

شماره ۳۱۲/۷۶۶۲ تاریخ ۱۶/۷/۵۷ (۳۷)

بولتن : و —————

درباره : سند مبات آیت اله سید کاظم شریعتمداری از بهنگاه اعلیحضرت
 همایون شاهنشاه آریامهر در مورد حمیه

این بولتن شامل ۲ برگ است

نشریه روزنامه مبارکباش آریامهر گزشت


آیت الله شریعتمداری ”مرجع تقلید“ یا مشاور شاه؟!!

مقدس ترین مقام از نظر آیت الله شریعتمداری اعلیحضرت همایونی است!!

به نوعی دیگر همین را هر می رود. و در این میسبان آیت الله شریعتمداری سنگ تمام گذاشته است. او در فکرنجات سلطنت است، او در فکرنجات شاه است! مرتب با دربار و دولت تماس دارد. برای حل مشکلات بدولت و شاه راه حل نشان می دهد. در اینجا یک مکالمه تلفنی آیت الله شریعتمداری را با ساواک مطالعه میکنید. ساواک پس از این مکالمه تلفنی آنرا به شاه گزارش کرده است. آیت الله شریعتمداری در این مکالمه سعی کرده است که در باره مسئله مراجعت آیت الله

۱۶ مهراست، یعنی یکماه پس از ۱۷ شهریور خونین. خلق به انقلاب فکرمی کند، رژیم شاه خاشاک و کابینه شریف اما می به سرکوب خلق می اندیشند. بورژوا لیبرالها نیز خود را باخته اند! چاره ای ندارند جز اینکه در ظاهر تا اندازه ای خود را موافق مردم نشان دهند ولی در باطن همه تلاش می کنند که طوفان انقلاب را مهار کنند. مهندس بازرگان سیاست "گام به گام" را توصیه میکند، تا بلکه با ساخت و پاخت در بالا ابتکار عمل را از دست مردم خارج کند. سنجایی

خمینی به ایران که مشکلی برای رژیم شاه و دولت شریف امامی شده بود، به رژیم شاه راه حل نشان دهد و اینک راه حل های ایشان :

ضمیمه شماره ۴۰
۸ بهمن ماه ۵۸

صفحه ۲

آیت الله شریعتمداری به رژیم شاه یاد می دهد که با مسئله مراجعت آیت الله خمینی چگونه برخورد کند!

آیت الله سید کاظم شریعتمداری در یک مکالمه تلفنی مطالب زیر را در رابطه با وضعیت روح الله خمینی عنوان و استدعا نموده است که مراتب به شرف عرض پیشگاه مبارک ملوکانه برسد :

در چند روز اخیر مراجعات زیادی از جانب طبقات مختلف مردم بمن می شود که در خصوص مراجعت خمینی بکشور اقدام نمائیم. من صریحا بعرض این فضاها و تشنجات که عکس العملهای براندازی نیز داشته است، پیشنهادهای در این مورد دارم که چنانچه علیحضرت همایونی اراده فرمائید شاید به مصلحت هم باشد.

پیشنهادهای من این است که دولت اعلام یدبا توجه به مشکلاتی که از نظر امامت خمینی بوجود آمده با اینکه هفته گذشته نظر صریح خود را در مطبوعات راجع به مراجعت خمینی بکشور داده است مع هذا بحسب اوامر ملوکانه به سفارت ایران در فرانسه ابلاغ گردیده که با آیت الله خمینی تماس گرفته و وقت خود که آید ایشان به ایران بلافاصله تماس گرفته و گفته شود که آمدن ایشان به ایران بلا مانع است.

البته من (شریعتمداری) اطمینان دارم که خمینی پیشنهادهای مراجعت بکشور را نخواهد پذیرفت زیرا اولاً او فرد لجبازی است و در ثانی بر فرض که چنین ملاقاتی بین او و نماینده سفارت صورت گیرد، مسلماً نماینده دولت ایران همان شرط قبلی را که وفاداری به قانون اساسی باشد، به او ابلاغ خواهد نمود و چون خمینی اصولاً به قانون اساسی اعتقاد ندارد، لذا این شرط را قبول ننموده و مسئله آمدن او به ایران منتفی است.

آیت الله شریعتمداری منافع تبلیغاتی این راه حل را توضیح می دهد:

صدور چنین اعلامیه ای از جانب دولت ایران اثر بخشی مثبتی در افکار توده های مردم چه در داخل و چه در خارج از کشور داشته و متضمن منافع تبلیغاتی زیر می باشد :

- ۱- علیحضرت همایونی که مقدس ترین و بالاترین مقام در کشور اسلامی ایران می باشند، بدین وسیله بزرگواری و گذشت خودشان را نشان داده اند.
- ۲- دولت نیز عملاً نشان می دهد که هیچگونه نگرانی از خمینی ندارد و توهم طرفداران خمینی در این زمینه نیز برطرف می گردد.

آیت الله سید کاظم شریعتمداری در یک مکالمه تلفنی مطالب زیر را به واسطه روح الله خمینی عنوان و استدعا نموده است که مراتب به شرف عرض پیشگاه ملوکانه برسد :

در چند روز اخیر مراجعات زیادی از جانب طبقات مختلف مردم بمن می شود که در خصوص مراجعت خمینی بکشور اقدام نمائیم. من صریحا بعرض این فضاها و تشنجات که عکس العملهای براندازی نیز داشته است، پیشنهادهای در این مورد دارم که چنانچه علیحضرت همایونی اراده فرمائید شاید به مصلحت هم باشد.

پیشنهادهای من این است که دولت اعلام نماید با توجه به مشکلاتی که از نظر امامت خمینی بوجود آمده با اینکه هفته گذشته نظر صریح خود را در مطبوعات راجع به مراجعت خمینی ابلاغ کرده که با آیت الله خمینی تماس گرفته و وقت خود که آید ایشان به ایران بلافاصله تماس گرفته و گفته شود که آمدن ایشان به ایران بلا مانع است.

سری

- ۱- علیحضرت همایونی که مقدس ترین و بالاترین مقام در کشور اسلامی ایران باشند، بدین وسیله بزرگواری و گذشت خودشان را نشان داده اند.
- ۲- دولت نیز عملاً نشان می دهد که هیچگونه نگرانی از خمینی ندارد و توهم طرفداران خمینی در این زمینه نیز برطرف میگردد.
- ۳- تشنجات و تحریکاتی که زائده خرابات اخراست، تخفیف پیدا خواهد کرد.
- ۴- صدور این اعلامیه بزرگواری و شاهنشاه را در دنیا و محسوس در جهان نشان خواهد داد و موضع خمینی ضعیف تر خواهد گردید.

مراتب حسب احتیاجات در ملوکانه از عرض گذشت

سپهبد مقدم
۵۷/۷/۱۶

- ۳- تشنجات و تحریکاتی که زائده خرابات اخراست، تخفیف پیدا خواهد کرد.
 - ۴- صدور این اعلامیه بزرگواری و آمریت شاهنشاه را در دنیا و بخصوص در بین سران جهان نشان خواهد داد و موضع خمینی ضعیف تر خواهد گردید.
- مراتب جهت استحضار خاطر خطیر ملوکانه از عرض گذشت.

سپهبد مقدم
۵۷/۷/۱۶

افشای ضد انقلاب خدمت به انقلاب است